

طی اطلاعیه‌ای اعلام شد:

فرمان فوری رهبر انقلاب
به نیروهای مسلح
درباره «کرونا»

سیاست ۲

تداوم سیاست فشار حداکثری
علیه ایران؛
آمریکا دارو و غذا
را نشانه رفت
چرکه ۳

دردت به جان ما شد

صدای مردم ایران به آسمان رفت

همین صفحه

در گذشت محمدرضا شجریان واکنش‌ها و بازتاب گسترده‌ای داشت؛

ماییم و سینه‌ای که در آن ماجرای توس

صفحه ۶

در حاشیه درگذشت خسرو آواز ایران

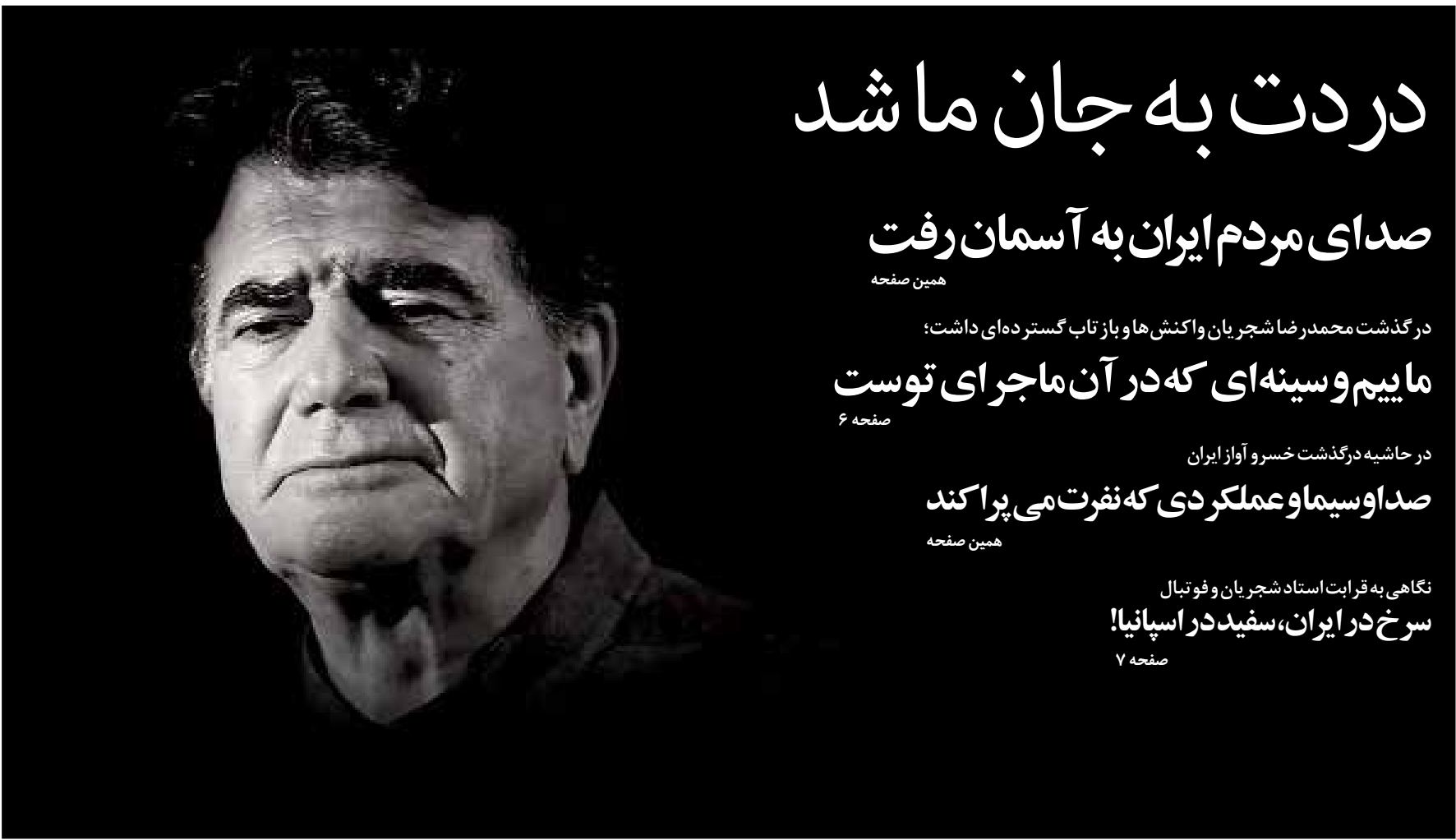
صداوسیما و عملکردی که نفرت می‌پراکند

همین صفحه

نگاهی به قرابت استاد شجریان و فوتبالیست

سرخ در ایران، سفید در اسپانیا!

صفحه ۷



خبر

در حاشیه درگذشت خسرو آواز ایران

صداوسیما و عملکردی که نفرت می‌پراکند

بعد از اعلام خبر فوت، مردم تمام شب در خیابان در زیر باران پشت در بیمارستان ماندند و مرغ سحر خواندند و بعد شعارهایی در نکوهش صداوسیما و ظلمی که با پخش نکردن آواز او و دعای ربنا در دهه گذشته به استاد و مردم داشت، سر دادند.

در بامداد جمعه هم که در ساعتی دور از انتظار و در میان جماعتی اندک از افراد خانواده، مسئولین خانه موسیقی، وزارت ارشاد و علاقه‌مندان با حضور سید محمود دعایی نماز میت بر پیکر او خوانده شد، باز هم از پوشش خبری مراسم در صداوسیما خبری نبود.

پس از نماز، تابوت استاد با پرواز هواپیمایی ماهان به مشهد منتقل شد تا صبح شنبه در توس دفن شود و جالب اینجاست که هم‌زمان با تشییع استاد محمدرضا شجریان به توس اعلام شد که سفر به مشهد ممنوع است. مسئولان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در شرایط کنونی از زائران و مسافران تقاضا کردند که از هرگونه سفر به این شهر خودداری کنند.

اما جالب‌تر اینجا بود که مسئولین شهری مشهد تصاویر بزرگ استاد شجریان را در سطح شهر نصب کرده‌اند و مردم نیز خود را به توس رساندند و روز جمعه صحن آرامگاه فردوسی را ترک نکردند تا این استاد بزرگ در تنهایی به خاک سپرده نشود. پر واضح است که از این دست خبرها هم در صدا و سیما سخنی به میان نمی‌آید.

حال شنبه صبح در حالی که خبر درگذشت این استاد بزرگ از الجزیره قطر گرفته تا روزنامه وال استریت ژورنال آمریکا را در نور دیده است و اکثر خبرگزاری‌های مطرح جهان آن را پوشش داده‌اند، احتمال قوی بدون هیچ تصویر زنده و یا پخش کامل فیلم این مراسم خاک‌سپاری تاریخی در صداوسیما، استاد محمدرضا شجریان در میان خیل هواداران به خاک سپرده خواهد شد. نامش همواره جاوید است و جایگاهش رفیع.

لیلا موسی‌زاده

بالاخره بعد از یک دهه حذف و انکار، صداوسیما تصویر محمدرضا شجریان را البته برای خبر مرگ او نشان داد و از او نام برد. استاد مسلم آواز و هنرمندی که در جان مردم ایران جای داشت روز پنجشنبه هم‌زمان با زرعین امام حسین (ع) از حصار تن رهید و خبر در گذشت او به یکباره چنان ابعاد گسترده‌ای یافت و مرزهای رسانه‌های داخلی و خارجی، فضای مجازی و شبکه‌های خبری جهانی را درنوردید که مجالی برای سکوت صداوسیما باقی نگذاشت.

اوایل هفته گذشته در اولین روز بستری شدن استاد شجریان در بیمارستان جم، صداوسیما مشتاقانه خبر مرگ او را منتشر کرد؛ خبر معمولی که با انتشار آن برگی دیگر بر عصر روز پنجشنبه نیز آنگاه که دیگر استاد دنیا را وانهاد و خرقه بیفکند؛ و پس از آنکه خبرگزاری‌ها و خیل هوادارانی که پشت در بیمارستان از پسرش همایون خبر را شنیدند در فضای مجازی خبر را به گوش مردم رساندند؛ صداوسیما پس از بیش از یک دهه ممنوعیت تصویر و نام شجریان؛ نام او راه همراه با خبر مرگش اعلام کرد. خبری سطحی و دم‌دستی که آشکارا حکایت از تلاش مدیران شبکه‌های سیما بر بی‌اهمیت جلوه دادن آن داشت و پاسخی روشن به این پرسش که چرا مردم خبرها را از سایر مجاری خبری دنبال می‌کنند؟

صداوسیما که پس از سال ۸۸ پخش دعای ربنا را که با تمام جان و روح مردم روزه‌دار عجین بود از کنداکتورهای خود حذف و مردم را از شنیدن رسمی آن محروم کرد؛ اکنون نیز بدون اشاره به دعای ربنا، خبر را به گونه‌ای تنظیم کرده بود که حتی از به کار بردن واژه «استاد» بر مرده او نیز خودداری می‌کرد و به جای آن «آقای شجریان» شنیده می‌شد.



خبر

صدای مردم ایران به آسمان رفت

کشیده بودند اما او یک تنه کافی بود تا آواز نمیرد و حتی آن را گامی به جلوتر از آنچه بود برساند و شکوفایی را در دوران انحطاط به رخ بکشد. حد اعلائی که او در آواز ساخت آن هم در این دورانی که موسیقی زیر تیغ انواع بایدها و نبایدهاست خود را فراتر از همه محدودیت‌ها تعریف کرد و یک تنه قامت برافراشت آن چنان که نادیده‌انگاری یا حذف او امکان‌پذیر نبود.

او محبوب‌ترین موسیقیدان یک‌دهه سال اخیر است که اول مرتبه هنرش او را یگانه ساخت و سپس دیدگاهش در مسائل روز اجتماعی و سیاسی آن را عمیق‌ادر دل‌ها نشاند و به محبوبیتش عمق بخشید.



آن هنگام که او خود را صدای خس و خاشاک نامید ارجی یافت که تاکنون کمتر کسی در دیدگاه ایرانیان بدان دست یافته است. هر چند که از حقوق عادی خود محروم و حق برگزاری کنسرت‌ها از او سلب شد. اما ایستادگی و سر خم نکردن او در برابر این محدودیت‌ها بود که با ساختن چهارم‌ای آرمان‌خواه از او، نسل جدید را به موسیقی ایرانی علاقه‌مند ساخت. او از دنیای محدودیت‌ها و فشارهایی که از سر گذراند راهی برای آشنایی هر چه بیشتر با موسیقی ایرانی گشود و علاقه‌مندان جوانش را با هنر ناب آشنا کرد. جوانانی که روز به روز به صدای او مشتاق‌تر شدند و این گونه هنر آواز ایرانی در



بینا یاری

آری، اکنون پس از چندین سال کش و قوس و وابستگی به دستگاه و تنیلاتور و لوله‌های نگه‌دارنده سطح هوشیاری؛ عاقبت استاد شجریان از حصار تن رهید و به آسمان‌ها پیوست.

حالا دیگر دستگاه‌های بالا نگه‌دارنده سطح هوشیاری و کمکرسان‌های زندگی زمینی از نفس افتاده و در این دنیا جامانده‌اند چرا که مسافر این دنیای فانی به آن جهان باقی رسید. بماند که پیش‌ترها جاودانه شده بود با آن نعمات و آواز و صدای دل‌نشینش.

استاد یگانه آواز، محمدرضا شجریان به گواه تاریخ صدای مردم ایران بود. صدای رسای مردم ایران. صدایی که بر سر سفره‌های افطار مردمان روزه‌دار از زبان آنها با تضرع و تمنا لب به دعا می‌گشود. همان‌طور که مردم نیز در صدای او حاضر بودند و در آن آشیان داشتند تا آنجا که تمام غم‌ها، شادی‌ها، ترس‌ها و ناکامی‌ها را با صدای او پناه می‌بردند تا با فریاد آواز آن حنجره، دردها و آلام خود را تسکین دهند.

او شنیده‌شده‌ترین صدای ایران بود که همچنان شنیدنی خواهد ماند. آنگاه که طنین دعای ربنا او در تمام شهرها و دورافتاده‌ترین روستاها و کپرها به کمک پیچ‌رادیویی پیچید و دل‌های همگان را به عرش می‌برد و سرهای آن‌ها را به آسمان می‌سایید و چه حالا که در تمام گوشه‌های تلن همراه بیش از یک قطعه از او در اختیار شنوندگان است. و حتی این شنیده‌شدن با ممنوعیت بیش از یک دهه‌ای صدای او برای پخش از تریبون‌های رادیو و تلویزیون رسمی کشور از یادها نرفت و بر هواداران و خواستارانش بیشتر افزود و ارزش خلوت آن صدای خواننده دعای ربنا را بیشتر کرد.

آواز ایرانی با صدای او هویتی دیگر یافت همان گونه که هنر از او هویتی شاخص‌تر از همیشه در این دوران پیدا کرد. او قله آواز ایرانی شد بعد از اساتیدی که چهل سال بود رخ در نقاب خاک